

نشانه‌های اضطراب در رمان درخت انجیر معابد

آذر اکبرزاده ابراهیمی*^۱، فاطمه کوپا^۲، نرگس محمدی بدر^۳، پدرام میرزایی^۴

(دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۰)

چکیده

نشانه - معناشناسی گفتمانی یکی از نقدهای جدید بوده که با بررسی فرایندهای عاطفی در متن به نقد روان‌کاوانه یاری می‌رساند. درخت انجیر معابد آخرین رمان احمد محمود است که نویسنده ضمن نقل داستان، درونیات شخصیت‌ها را بیان کرده است. برخی شخصیت‌های رمان تحت تأثیر محیط خانوادگی و نابرابری‌های اجتماع، برآمده از جدال سنت و مدرنیته، دچار عقده حقارت و اضطراب می‌شوند که اعمال، گفتار و سبک زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از این رو می‌توان جنبه‌های مختلف آن را طبق نشانه - معناشناسی گفتمانی و نظریه روان‌کاوانه آدلر و هورنای که بر نقش مؤثر فرهنگ و اجتماع در ایجاد عقده حقارت تأکید داشتند، بررسی کرد.

در این پژوهش، نگارندگان با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی رفتار و گفتار سه شخصیت اصلی رمان یعنی تاج‌الملوک، فرامرز و فرزانه پرداخته‌اند که طبق گفتمان عاطفی و

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران (نویسنده مسئول).

* Azar.akbarzade@yahoo.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

۴. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

نظریه کارن هورنای در مرحله بیداری هیجانی با نقص پوستی و اضطراب‌هایی همچون تنهایی، ناامیدی و تأثیر محیط (تبعیض اجتماع) مواجه می‌شوند و برای جبران، از پرخاشگری، کینه و انتقام بهره می‌گیرند و هویت عاطفی خود را بروز می‌دهند. گفتمان عاطفی در این رمان نمود بیشتری دارد و باعث به‌وجود آمدن گفتمان‌های کنشی از نوع القایی و مرام‌مدار در شخصیت‌های داستان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: روایت، نشانه - معناشناسی گفتمانی، اضطراب درونی، کارن هورنای، گفتمان عاطفی، درخت/نجیر معابد.

۱. مقدمه

نشانه - معناشناسی گفتمانی^۱ که برآیند نشانه - معناشناسی روایی^۲ است، به یاری نقد روان‌شناسانه آمده و امروزه ابزاری مؤثر در تحلیل فضای عاطفی متون ادبی به‌شمار می‌آید. عوامل گفتمانی با پرداختن به دو مقوله کنشی و شوشی، نشانه - معناشناختی را بررسی می‌کند. با توجه به این مهم می‌توان به درک درست مسائل عاطفی مطرح‌شده در متن رسید. ادبیات و روان‌شناسی پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند. ادیب و روان‌شناس به یک موضوع توجه دارند؛ اما زاویه دید هرکدام به موضوع متفاوت است. تحلیل رفتار شخصیت‌ها موضوع مطالعات روان‌شناسی است؛ اما بررسی موشکافانه شکل‌گیری رفتار برعهده نشانه - معناشناختی گفتمان است که تحلیل رفتار را هم در پی دارد.

احمد محمود در رمان درخت/نجیر معابد، متفاوت با دیگر آثارش، به شیوه داستان‌پردازی سیال ذهن^۳ و تک‌گویی، و با بازگویی رخداد‌های عاطفی شخصیت‌ها به رمان‌های روان‌شناختی نزدیک شده است. «اضطراب»^۴ و «حقارت»^۵ از گونه‌های عاطفی متن یادشده است که طبق گفتمان عاطفی علاوه بر ایجاد فضای پرتنش،^۶ بر سبک زندگی شخصیت‌ها اثر می‌گذارد.

در این پژوهش، رمان درخت/نجیر معابد مورد بازخوانی قرار گرفته و ساختارهای مختلف احساسی و منطقی آن بیان شده است. بدین ترتیب، مقاله در پی آن است که با تحلیل نشانه - معناشناختی رمان درخت/نجیر معابد، به واکاوی نظام‌های گفتمانی حاکم بر آن و نشانه‌های معنایی بپردازد. هدف این پژوهش پس از بررسی نظریات

روان‌شناسانه پسا فرویدی، نشان دادن الگوی فرایند عاطفی^۷ و چگونگی کارکرد آن در تغییر شرایط تحول گفتمان است که در آن نقش «اضطراب» و «انتقام» بسیار مهم است. روش تحقیق این مقاله، تحلیلی - توصیفی برپایه بررسی روان‌کاوانه و نشانه - معناشناختی گفتمانی است. فرض پژوهش بر این است که این فرایند برمبنای کارکرد عاطفی است.

پرسش‌های اصلی این جستار عبارت‌اند از:

- اضطراب شخصیت‌های رمان با کدام نظریات روان‌شناختی قابل تطبیق است؟

- آیا می‌توان فرایند روایی رمان مذکور را فرایندی عاطفی دانست؟

- چگونه کنش و شوش در تعامل و چالش با یکدیگر، فرایند روایی را به فرایند عاطفی تبدیل می‌کند؟

- در تحلیل داستان مذکور عوامل کنشی و شوشی، در راستای تولید معنا، چگونه درهم تنیده شده‌اند؟

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد در بررسی نشانه - معناشناختی متون، در کنار عوامل کنشی، حضور عوامل شوشی هم اهمیت دارد.

در حیطه روان‌شناسی و نشانه - معناشناختی، عامل «اضطراب» و عنصر مهم «انتقام» نقش اساسی در سیر تحول گفتمان و شکل‌گیری فرایند عاطفی رمان دارد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در معرفی آثار داستانی احمد محمود، به‌ویژه رمان *درخت انجیر معابد*، تاکنون کتاب‌ها و مقالات فراوانی منتشر شده که اغلب در این تحقیقات بررسی تطبیقی این اثر با آثار مشابه و جنبه فراواقعی رمان مورد نظر بوده است. زینب نوروزی در «بررسی تطبیقی جلوه‌های ادبیات شگرف در دو رمان *درخت انجیر معابد* و *کواپیس بیروت*» (۱۳۹۳)، با مقایسه دو رمان، نشانه‌های شگرف بودن ادبیات این دو اثر را بیان عناصری همچون کانونی‌شدگی، تقابل، شک و تردید و ترس بررسی کرده است. مرتضی قاسمی در «تحلیل رؤیا در رمان *درخت انجیر معابد*» (۱۳۹۱)، با بررسی رمان *درخت انجیر معابد* براساس زبان نویسنده، روش فروید و اصل ساخت‌گرایی تکوینی به تحلیل رؤیاها

پرداخته است. فاطمه قارلقی در پایان‌نامه تطبیق مظاهر خرافه‌پرستی در *رمان ام‌الندور* اثر عبدالرحمن منیف و *رمان درخت انجیر معابد* (۱۳۹۵)، با تکیه بر مکتب تطبیقی امریکایی به بررسی و مقایسه نقاط مشترک دو نویسنده و موضوعاتی همچون خرافه، فقر، جهل و بی‌سوادی در دو رمان پرداخته است. فاطمه کوپا و صفیه توکلی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری زمان در رمان درخت انجیر معابد با تأکید بر نظریه روایت‌شناسانه ژنت» (۱۳۹۶)، ضمن پرداختن به مؤلفه‌های روایت در این اثر، عنصر زمان را بررسی کرده‌اند. در مطالعه روایت‌شناسانه و نشانه - معناشناسی می‌توان به دو مقاله «تحلیل نشانه - معناشناختی دروغ» (۱۳۹۶) از حمیدرضا شعیری و یگانه توحیدلو و «تحلیل نشانه - معناشناختی تحقق سره و ناسره در گفتمان ادبی» (۱۳۹۶) از حمیدرضا شعیری و زهرا کرباسی اشاره کرد. مقاله «تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمانی در داستان خلأ» (۱۳۹۴) از فرامرز میرزایی و احمدجمال امیدی نیز به بررسی فرایند تشکیل گفتمان عاطفی در داستان مذکور توجه کرده است. کتاب‌های راهی به نشانه معناشناسی سیال (۱۳۸۸) و نشانه - معناشناسی ادبیات (۱۳۹۵) از حمیدرضا شعیری در شناسایی روش‌های تحلیل گفتمان ادبی درخور توجه است.

اما مقاله حاضر با پرداختن به بررسی نشانه‌های اضطراب در *رمان درخت انجیر معابد* با رویکردی روان‌شناسانه و طبق نشانه - معناشناسی گفتمانی سعی در تبیین نقش اضطراب در سیر تحول گفتمان دارد که پژوهشی جدید در این زمینه به‌شمار می‌آید.

۲. مباحث نظری

۲-۱. نقد روان‌شناختی

نقد روان‌شناختی^۱ از نقدهای معاصر است. نقدهای پیشین بیشتر جنبه تاریخی، زیبایی‌شناختی و اخلاقی داشته‌اند و آن نقدی که امروزه می‌تواند جوانب فراموش‌شده اثر ادبی را بکاود، نقد روان‌کاوانه است. نقد روان‌شناسی قدمتی دیرینه دارد. اولین نظریه‌پردازان آن در یونان باستان بوده‌اند و می‌توان گفت شناخت خود از یونان هم به متون و نوشته‌های منتقدان راه یافته است (Eysench, 1962: 7). برخی صاحب‌نظران معتقدند پیوند بین ادبیات و روان‌شناسی بسیار گسترده است؛ چراکه موضوع اصلی

ادبیات بازگویی عواطف و احساسات نویسنده است و علم روان‌شناسی با نفوذ در درون هنرمند به تفسیر حالات روحی وی می‌پردازد. «ادبیات بیرون از حوزه روان‌کاوی و پژوهش‌های روان‌کاوانه نیست و نظریه روان‌کاوی نیز چونان ابزاری از جنسی دیگر برای حلاجی متون ادبی به‌کار برده نمی‌شود» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۸۴). در تحلیل روان‌کاوانه متن، شخصیت‌ها بسیار مهم هستند. «شخصیت‌های رمان قابلیت‌های بیشتری برای نقد و تحلیل روان‌کاوانه دارند و می‌توان با مفاهیم روان‌کاوانه از نمادها، تصویرها و نقش‌مایه‌های موجود تحلیلی روان‌کاوانه عرضه کرد» (آقاخانی بیژنی، ۱۳۹۶: ۱۰). تحلیل روان‌شناختی شخصیت بررسی رفتارهاست که به شرایط انگیزشی مربوط می‌شود (Foss, 1973: 235).

اولین بار زیگموند فروید تعبیر عقده حقارت را مطرح کرد و آن را ناشی از احساس نقص و ناتوانی جنسی دانست که پایه و زمینه اصلی اعمال و انگیزه‌های حیاتی است. از نظر آدلر، احساس حقارت در افراد کاملاً طبیعی است؛ اما آنچه در این فرایند غیرطبیعی می‌نماید، تبدیل این احساس به عقده حقارت است. اگر به فرد راه‌های جبران سالم نمایانده شود، احساس حقارت او به برتری و جبران‌سازنده تبدیل می‌شود؛ اما اگر راه‌های جبران سالم به او نشان داده نشود، احساس حقارت به عقده حقارت تبدیل می‌شود (فارسی، شهریاری و سمتی، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

آدلر و هورنای با تغییر در نظر فروید، هرکدام درمورد احساس حقارت و علل آن نظریه خاص خود را مطرح کردند. از قدیمی‌ترین نظریات آدلر «حقارت عضوی و جبران‌روانی» بوده است که زمینه‌ساز تلاش‌های فرد برای ایجاد سبک زندگی او نیز به‌شمار می‌آید. او معتقد است شخصی که از نقصی در بدن خود رنج می‌کشد، به جبران آن می‌پردازد. «اثرات درد و رنج ناشی از این‌گونه تجارب به تدریج در ضمیر ناخودآگاه شخص انباشته شده و فشرده شده، موجب پیدایش نوعی احساس ضعف و واماندگی در شخص می‌شود» (منوچهریان، ۱۳۶۸: ۱۱). علل احساس کهنتری را می‌توان اجمالاً به سه دسته تقسیم کرد: ۱. تأثیر محیط؛ ۲. کهنتری واقعی؛ ۳. صفات یا خصوصیات غیرعادی و عجیب (منصور، ۱۳۴۳: ۲۴).

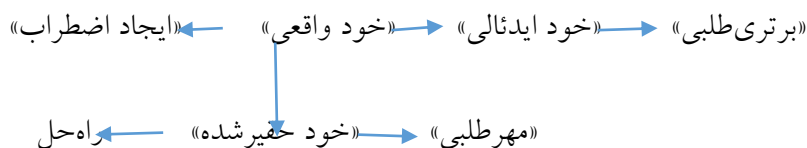
۲-۱-۱. اضطراب بنیادی

روان‌شناسی همانند علوم دیگر است؛ به گونه‌ای که روان‌شناسان، مانند سایر دانشمندان، در احاطه انواع اتفاقات در طبیعت است و وظیفه‌اش سعی در ساختن تئوری‌هایی براساس مطالعه و رسیدن به پیش‌بینی و کنترل اتفاقات است (Taylor, 1977: 28). یکی از انگیزه‌های ایجاد مکتب روان‌کاوی، درمان اضطراب روان‌رنجور است. در این راستا فروید به سه نوع اضطراب اشاره می‌کند: ۱. اضطراب واقعی که نوعی ترس عادی است و علت آن تهدیدهای ناشی از خطرهای موجود در دنیای واقعی است. ۲. اضطراب روان‌رنجور که تهدیدی از جانب نهاد است و کنار آمدن با آن بسیار دشوارتر است؛ زیرا نهاد کاملاً ناهشیار است. ۳. اضطراب اخلاقی که از تهدیدهای فرامن ناشی می‌شود (لان‌دین، ۱۳۷۸: ۲۷۱). از نظر هورنای (۱۳۶۵: ۱۷۷)، «اضطراب اساسی» ترکیبی است از عجز، ناتوانی، احساس بی‌ارزشی و حقارت، احساس خشم و نفرت، عدم ابراز وجود، نوعی فقر روانی، احساس بی‌کسی و تنهایی که همه حکایت از ضعف روانی دارد.

در تعریف اضطراب گفته‌اند که واکنشی است بدون تناسب با خطر یا واکنشی به خطر واهی و خیالی. اما از نظر هورنای، این تعریف دقیقی از اضطراب نیست. وی در بیان تفاوت «ترس» و «اضطراب» معتقد است که هم ترس و هم اضطراب، هر دو، واکنش‌های روحی متناسب با خطر هستند؛ منتهی درمورد ترس، عامل خطر در خارج است و در اضطراب، عامل خطر شرایط درونی خود شخص است (همان، ۴۰).

۲-۱-۲. درمان اضطراب

از مباحث جدید دیگری که هورنای مطرح کرده، «نیازهای ده‌گانه» است که هرکدام از آن‌ها زیرمجموعه سه تیپ و سه نوع راهبرد شخصیتی نظریه وی، یعنی مهرطلبی، قدرت‌طلبی و انزواطلبی است. «در نتیجه شکست‌های مختلف در حل کردن مشکلات زندگی، نیازهای خاصی به وجود می‌آید؛ هورنای این نیازها را روان‌رنجور خواند؛ زیرا به راه‌حل‌های منطقی منجر نمی‌شود» (لان‌دین، ۱۳۷۸: ۲۹۶).



۱. پذیرش هم‌زمان خود ایدئالی و حقیر

۲. غالب شدن خود ایدئالی یا حقیر

۳. عدم پذیرش و حالت منفی انزوا

۲-۲. نظام گفتمانی

روایت‌شناسی^۹ در معنای بیان و نقد روایت به‌کار می‌رود. این اصطلاح که از سال ۱۹۶۹م رایج شده است، بر شاخه‌ای از مطالعات ادبی دلالت دارد که به تجزیه و تحلیل روایت‌ها می‌پردازد و درضمن اهمیت زمان فعل در برقراری ارتباط میان داستان، گوینده داستان و خواننده را نیز دربرمی‌گیرد (میرصادقی و میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۵۱). گفته‌پردازی که تولیدکننده گفته است، با گفتمان‌های موجود در یک فرهنگ هم‌ریشه است و گفتمان‌های خاص را نیز پدید می‌آورد. «اما گفتمان‌ها در مسیر شکل‌گیری خود از بسترهای نشانه - معنایی متفاوت و گوناگونی عبور می‌کنند. همین ویژگی‌ها سبب می‌گردند تا بتوان گفتمان‌ها را دسته‌بندی نمود. مهم‌ترین انواع گفتمان در حوزه ادبیات عبارت‌اند از: گفتمان کنشی، شوشی، تنشی و بوشی» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۴).

۱-۲-۲. فرایند عاطفی گفتمان

نظام‌های گفتمانی بر سه نوع هوشمند مبتنی بر کنش، احساسی بر پایه شوش و رخدادی تقسیم می‌شود. در روایت ممکن است تمام این گفتمان‌ها به‌کار رفته باشد و برای درک بهتر متن عاطفی علاوه بر کنش‌ها، ضروری است شوش‌ها هم مورد توجه قرار گیرد. نظام گفتمان هوشمند^{۱۰} (روایی / تجویزی) شامل نظام‌های کنشی، القایی و مرام‌مدار است. گفتمان کنش‌محور از اولین نظام‌های گفتمانی است؛ «اما گفتمان، تنها مرکز بروز رفتارهای کنشی نیست و در بعضی موارد با حضوری مواجه هستیم که دارای

ویژگی‌های شوشی است» (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۱۴). «دومین نظام گفتمانی نظامی است که در آن بروز معنا تابع سه گونه تنش - عاطفی، حسی - ادراکی و زیبایی‌شناختی و مبتنی بر شوش و نوع حضور است. منطق و برنامه در این نظام نقشی ندارد» (نصیحت و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۷). گرماس و فونتنی از پایه‌گذاران نظام نشانه - معناشناسی هستند که معتقدند فضای پرتنش مسبب شکل‌گیری شرایط عاطفی گفتمان است. عواطف در سراسر داستان، گفتمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دنیای عاطفی برخلاف دنیای روایی است و یکی از بسترهای مناسب برای بروز عناصر عاطفی، گفتمان است. «گفتمان مانند عملی پوششی عناصر عاطفی را تحت کنترل و نظارت خود درمی‌آورد» (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۶۵). در بررسی آثار ادبی با توجه به نوع حضور شخصیت‌ها (کنشگر یا شوشگر)، دنیای بیرون یا شناختی، دنیای درون یا هیجانی و حضور و عدم حضور، گفتمان‌ها متفاوت است. بررسی متون و گفتمان‌های مختلف نشان می‌دهد که کلام فقط به کنش‌ها محدود نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، رسیدن به معنا فقط از مجرای منطق کنشی یا نظام هم‌نشینی سخن میسر نیست (میرزایی و جمال‌امیدی، ۱۳۹۴: ۲۴۱). «نظام گفتمانی شوشی دارای ویژگی‌های هم‌ترازی حسی، پدیدارشناختی و هم‌حضوری است. در این نظام، بروز معنا تابع سه جریان گفتمانی حسی - ادراکی، تنش - عاطفی و زیبایی‌شناختی است که در متن شرح داده می‌شود» (جلالی طحان و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۶: ۱۷). در هر فرایند عاطفی، طرح خاصی می‌توان رقم زد؛ اما طرح‌واره کلی فرایند عاطفی گفتمان که در داستان‌ها مشترک بوده، بدین ترتیب آمده است: تحریک یا بیداری عاطفی^۱، توانش عاطفی^۲، هویت یا شوش عاطفی^۳، هیجان عاطفی^۴ و ارزیابی عاطفی.

۲-۲-۲. گفتمان در روان‌شناسی

با توجه به اهمیت زبان در روابط بین‌فردی و اجتماعی به‌نظر می‌رسد روان‌شناسی، به‌مثابه علم بررسی رفتار و فرایندهای ذهنی، می‌باید به این متغیر در پژوهش‌های کاربردی توجهی ویژه کند؛ اما نه در قالب پژوهش‌هایی صرفاً کمی که داده‌ها را به‌صورت عینی و قابل تعمیم به سایر موقعیت‌ها و افراد در نظر

می‌گیرند، بلکه در قالب پژوهش‌های ترکیبی کیفی و کمی با استناد به نسبت‌گرایی و تمرکز بر زمینه فرهنگی موقعیت، به‌خوبی می‌توان ویژگی‌های گفتمانی را در تعاملات شناسایی و متغیر مورد نظر را تاحدی تبیین کرد (اسکندری، ۱۳۹۲: ۸۸).

۳. سیر حوادث داستان

داستان مذکور دربرگیرنده موضوع جدال سنت و مدرنیته با گفتمان‌های ترکیبی عاطفی و کنشی است.

اسفندیار در نقش پدر خانواده با ساکن شدن در حوالی درخت انجیر - که از بنگال آورده و کاشته‌اند و قدمتی صدوچندساله دارد - سعی در به‌رسمیت شناساندن آن دارد. در زمان حیات اسفندیار، همسر و فرزندان در ناز و نعمت هستند؛ ولی پس از فوت او، مهران که مشاور حقوقی پدر بود با مادر خانواده، افسانه، ازدواج می‌کند و فرزندان پس از این ازدواج خود را تنها و بی‌پناه می‌یابند. فرامرز، برادر بزرگ‌تر، با ازدست دادن پدر و مهر مادر در فضای تنشی قرار می‌گیرد و درصدد کشتن مادر و ناپدری برمی‌آید. پس از آن، وی با تحمل زندان و مشکلاتی از جمله اعتیاد که توطئه مهران بود، تنهایی و شکست عشقی، قدم در آینده نامعلوم می‌گذارد. فرامرز پس از این عوامل شوشی، در حرکتی رو به جلو تصمیم می‌گیرد به فریبکاری، رشوه و دروغ‌گویی بپردازد. ابتدا در نقش پزشک در شهر گل‌شهر مطب دایر می‌کند و در مواجهه با قدرت‌طلبی مهران در چپاول اموال مردم، خود را وکیل پایه‌یک معرفی می‌کند و بعد از گذشت بیست سال، با ظاهری جدید به‌شکل مرشد سبزچشم به شهرش بازمی‌گردد و قصد دارد به مهران و خرافه‌پرستی مردم ضربه نهایی را بزند که درنهایت پس از آتش گرفتن شهر و کشته شدن مهران و حوادث فراوانی و عجیب درخت که ریشه‌هایش همه‌جا را فرامی‌گیرد، توسط پلیس شناسایی و دستگیر می‌شود. فرزانه، تنها دختر خانواده، با ابتلا به بیماری برص که آن را ارثیه عمه‌تاجی می‌دانست، ازدست دادن پدر و نبود محبت مادر، تنهایی و بی‌کسی دست به خودکشی می‌زند. عمه‌تاج‌الملوک هم که با خانواده برادر یک‌جا زندگی می‌کند، در جوانی پس از درگیری با بیماری برص و اجتناب از ازدواج، به

مردان بدبین می‌شود و این بدبینی را به سایر دختران نیز منتقل می‌کند؛ هرچند در دوران پیری از کارهای خود پشیمان می‌شود و با نذر و نیاز برای درخت، قصد توبه دارد. شخصیت‌ها در رمان درخت /نجیر معابد هرکدام به نوعی با اضطراب‌های گوناگون مواجه هستند. به‌طور کلی در داستان دو نوع نظام گفتمان هوشمند (کنشی) و گفتمان احساسی (شوشی) دیده می‌شود.

در این رمان، شوشگران را با محوریت سه شخصیت اصلی تاج‌الملوک، فرزانه و فرامرز می‌توان بررسی کرد. رمان دارای شش فصل است که تا فصل پنجم تاج‌الملوک حضوری جدی دارد و درگیر اضطراب‌های گوناگون است. کشمکش و نقصان اولیه او مواجه شدن با بیماری برص است که تا آخر عمر برای پنهان کردن این عیب، به مخفی کردن لکه‌ها با پماد مشغول است: «پیشانی‌اش مرطوب می‌شود - می‌جوشد. با دستمال کاغذی نم‌پیشانی را می‌چیند. دو جا، پماد مالیده بر لک‌های سفید پیشانی کم‌رنگ می‌شود» (محمود، ۱۳۷۹: ۱ / ۴۳۵).

شخصیت تاج‌الملوک پس از درگیری با اضطراب بیماری و تجرد، به‌وسیله کنش القایی^{۱۴} دختران دیگر را از ازدواج بازمی‌دارد. وی در پایان بخش پنجم پس از شنیدن خبر دروغین فوت فرامرز، در تنهایی و پیری از دنیا می‌رود. فرامرز عامل شوشی دیگر است که نقصان اولیه او، یعنی فوت پدر و ازدواج مهران با مادرش، او را به کنش انتقام^{۱۵} و قتل مهران وادار می‌کند. او به‌مدت بیست سال به فکر انتقام است. بخش ششم با گذر بیست‌ساله و محوریت فرامرز در نقش پیر مستجاب‌الدعوه و درنهایت انتقام‌نهایی از عاملان خشم و اضطراب (مهران، علمدار و درخت) به‌پایان می‌رسد. سومین شخصیت، یعنی فرزانه، عامل شوشی دیگری است که در رمان حضور فیزیکی ندارد و فقط گفتار و اعمال او در قالب دفتر خاطره و در ذهن تاج‌الملوک و فرامرز مرور می‌شود. وی همانند فرامرز درگیر عوامل شوشی و به فکر انتقام است؛ اما راه نجات را در پایان دادن به زندگی می‌داند.

۴. نشانه‌های «عقدۀ حقارت» و «اضطراب» در رمان *درخت انجیر معابد* (بیداری عاطفی)

تحریک یا بیداری عاطفی، اولین مرحله گفتمان عاطفی، فرایندی است که زمینه شوش را در شوشگران ایجاد می‌کند و آن‌ها را به واکنش وامی‌دارد. از منظر روان‌کاوانه نیز، قدیمی‌ترین نظریۀ آدلر بررسی «حقارت عضوی و جبران روانی» آن بود. نوع نگرش فرد به نقایص خود دارای اهمیت است. از مهم‌ترین مفاهیم هورنای نیز «اضطراب بنیادی» است که او در تبیین این اندیشه بر نقش مؤثر فرهنگ و اجتماع در شکل‌گیری عقدۀ حقارت اشاره می‌کند. در این بخش «عقدۀ حقارت» و «اضطراب درونی» با توجه به نظریات آدلر و هورنای و «بیداری و تحریک عاطفی» براساس نشانه - معناسازی گفتمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. تأثیر محیط (تنهایی و ناامیدی)

کسانی که خاطرات تلخی را تجربه می‌کنند و موقعیت‌های خوب پیشین را ازدست داده‌اند، در معرض ابتلا به عقدۀ حقارت قرار می‌گیرند. «خاطره دردناک و پنهانی یک شکست یا گناه آن‌چنان شخصیت و عواطف را جریحه‌دار می‌سازد که یک‌باره فضیلت و ارزش انسانی خود را از یاد برده، دستخوش ضعف و احساس حقارتی شدید می‌شوند» (منوچهریان، ۱۳۶۸: ۳۷). راوی، رمان را با شوش عاطفی، یعنی اضطراب تنهایی و ناتوانی تاج‌الملوک، آغاز می‌کند. او که منسوب به خاندان ارباب (اسفندیار) بوده، حالا باید با تنهایی بسازد و از عهدۀ کارهایش برآید. در اسباب‌کشی هیچ‌کس کمکش نمی‌کند شب بد خوابیده است از این پهلو به آن پهلو: «کس نبیناد جواهرخانم» درد پا، درد کمر - ئوف چشم ب پنجره سفید شد تا سفیده زد» (محمود، ۱۳۷۹: ۱/۱۰). از سوی دیگر شوش ناامیدی به سبب مشکلاتی است که فرامرز با آن مواجه شده و آبروی خانوادگی را به خطر انداخته است: «خدایا خودت این بیچه را هدایت کن. من دیگه تحمل دیدن و شنیدن این حرفا را ندارم. این آخر عمری نذار فرامرز آبروی خانواده را از بین ببره و به خوشنامی داداش مرحوم لطمه بزنه» (همان، ۲/ ۷۱۳).

تاج‌الملوک در آخر عمر که روزگار تنهایی و پشیمانی از کارهای گذشته است، به نظام کنشی مرام‌مدار روی می‌آورد و همانند مردم به نذر و نیاز برای درخت متوسل می‌شود. طی یک فرایند عاطفی، ابتدای گفتمان کنشی فرامرز شکل می‌گیرد. «بیداری عاطفی» با نگرانی وی از فوت پدر، ازدواج مادر و تنفر از مهران آغاز می‌شود؛ چراکه این شخص به‌اجبار با افسانه، مادرش، ازدواج کرده و بر اموال پدر تسلط یافته است. فرامرز با این موضوع مخالف است: «اینم مقدر بود که مهران پیدا بشه هم مادرم بدنام کنه و هم خورش کنه وکالت بلاعزل ازش بگیره با سرپرستی صغار دادگستری بسازه و همه ثروت منقول و غیرمنقول پدرم را یکجا بالا بکشه» (همان، ۱ / ۱۰۸). فرامرز از ازدواج مادر ناراحت است و می‌گوید: «هیچ‌وقت به من نگو فری جان. ماماخانم! - خدا مرگم بده فرامرز. - تو چطور دلت راضی شد بعد از پدر شوهر کنی؟» (همان، ۱۴۴). «گونه عاطفی» نگرانی در او شکل می‌گیرد و او را به کنش وامی‌دارد و به سمت مهران تیراندازی می‌کند و بعد از به‌خطا رفتن تیر، دستگیر می‌شود و به زندان می‌افتد. فرامرز بعد از فوت پدر، از تنهایی و بدی اوضاع با روح وی این‌گونه درد دل می‌کند: «همه‌چیز داره از دست میره - حرمت، آبرو، زندگی! چرا این‌طور شد پدر؟ چرا بدی از هر چیزی فراوان‌تر و ماندگارتر؟ چرا بدی این‌قدر سخت و زمخت که مثل ساروج ازهم نمی‌پاشه؟ چرا شما که خوب بودین زود رفتین؟» (همان، ۲۲۵). از نظر آدلر، بی‌توجهی به فرزند در کنار نقص عضو منبع مهم عقده حقارت است.

بی‌توجهی به فرزند و ازیاد بردن او، عنصری بسیار مهم در تخریب ذهن فرزند و ایجاد حس حقارت در اوست. البته تأثیر محیط و مدرسه و اجتماع، بزرگ‌ترین عامل در ایجاد حس حقارت و برتری است که عملکرد مستقیم یا غیرمستقیم اجتماع می‌تواند دربردارنده یکی از ارمغان‌های شخصیتی باشد (قبادی و هوشنگی، ۱۳۸۸: ۹۸).

فرزانه از درس و مدرسه گریزان شده بود؛ زیرا دوستانش درباره افسانه، مادرش، چیزهایی می‌گفتند که او را ناراحت می‌کرد: «از دست این بچه‌های دهان‌لق کلاس دیگر جانم به لب رسیده، این قدر مزخرف می‌گویند که دیگر دلم نمی‌خواهد بروم دبیرستان» (محمود، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۵۶). «خواستن» توانشی است که فرزانه برای رهایی از حرف‌های گزنده دیگران به‌کار می‌گیرد.

۲-۴. نقص پوستی

افراد به‌ویژه در کودکی به‌عللی آمادگی بیشتری برای پذیرش احساس حقارت دارند. گروه اول کودکانی که از نقص یا ضایعه عضوی رنج می‌برند. منظور از نقص یا ضایعه، وجود هر نوع تغییر یا شرایط خاص در اعضا و اندام‌های بدن بوده که آن را از شکل طبیعی خارج می‌سازد؛ همچون لکه‌های مادرزادی در صورت و بدن، ماه‌گرفتگی و کک‌ومک، موی سرخ‌رنگ، آلبینیسم (سفیدی موها و مژه) (منوچهریان، ۱۳۶۸: ۲۴).

راوی، داستان را با شوش عاطفی آغاز می‌کند. تاج‌الملوک در این مرحله عامل شوشی به‌شمار می‌رود؛ زیرا از نظر روحی نابسامان و نگران است. در رمان *درخت انجیر معابد*، تاج‌الملوک، عمه خانواده آذرباد، دچار بیماری برص است و رنج او از این مرض به‌همراه مشکلات محیطی، بر ذهن و فکر او سایه افکنده و رفتار و اعمالش را تحت تأثیر قرار داده است. از همان نوجوانی، باوجود زیبایی و برازندگی، از بخت بد خود گله‌مند بود: «تاجی جوان است، دو گیس بافته، دو گونه پرخون و چشم‌ها درشت و سورمه‌کشیده، دامن پرچین را زد بالا به لک بر ران خودش نگاه کرد. گفت خدا چرا؟» (محمود، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۱۱).

بسیاری از خصوصیات غیرعادی جسمانی و اندامی می‌توانند انگیزه‌ای برای نشو و بروز عقده حقارت شوند. «این ضایعات به‌سبب اثر نامطلوبی که در برخوردها و روابط اجتماعی می‌گذارند، شخص را به‌سوی بیزاری از آدم‌ها، انزواطلبی و ترس درونی می‌کشاند» (منوچهریان، ۱۳۶۸: ۲۴). فرزانه، وارث پرسی عمه‌تاج‌الملوک، هم عامل شوشی دیگری است و از آنجا که این نگرانی اثر عاطفی زیادی برجای می‌گذارد، «فشاره عاطفی»^{۱۶} بسیاری دارد. حاضر بود مال و جانش را فدا کند و بیماری‌اش درمان شود: «خدایا توبه کردم و به خدا التماس کردم که پرسی نباشد عمرم نماز بخوانم و به فقیرها کمک کنم. بروم زیارت و یک جفت الگوهایم را نذر کردم» (محمود، ۱۳۷۹: ۱/ ۳۹۰).

۳-۴. تأثیر محیط (تبعیض اجتماع)

محیط که اولین مرحله آن خانواده است و پس از آن اجتماع، نقش مؤثری در ایجاد احساس حقارت دارد.

پدر و مادر با مقایسه فرزندان و تبعیض بین آنان، برادران و خواهران با تحقیر فرزندان کوچک‌تر و مدرسه و مربیان با سرزنش شاگردانی که کمتر تلاش می‌کنند، موجب ایجاد حس حقارت می‌گردند. امر رقابت در حوزه‌های اجتماعی وسیع‌تر و در سطح بالا و بزرگسالانه نیز خالی از وخامت نیست (منصور، ۱۳۴۳: ۲۴-۲۵). زن در داستان‌های کوتاه احمد محمود کمتر نقش سیاسی و اجتماعی دارد. (از دید او، شخصیت‌های داستانی مرد برای نشان دادن مبارزه زنان در اجتماع شایسته‌ترند. زنان داستان‌های کوتاه احمد محمود هرگز به آن اندازه آگاهی طبقاتی نمی‌رسند که به مبارزه پناه ببرند) (پویان، ۱۳۸۹: ۴۲).

تاج‌الملوک همه‌جا به تبعیض اجتماع و نادیده گرفته شدن حقوق زنان توجه می‌کرد و می‌خواست با گفتارش به این موضوع اشاره کند: درمقابل زری که می‌گوید: «قول میدم تاج‌الملوک خانم - قول مردانه! تاج‌الملوک می‌خندد: حالا چرا قول مردانه؟ مگر قول زنانه چه عیبی داره که - زری می‌رود تو حرف تاج‌الملوک باشه! قول زنانه میدم که اگر بکشندم نگم تاج‌الملوک خانم گفته» (محمود، ۱۳۷۹: ۲ / ۶۹۸). شوش نگرانی از محیط (جامعه) فرامرز را از سه جهت به اعتراض و واکنش واداشته است: ۱. او با مهران و قدرت‌طلبی‌اش که اولاً اموال اسفندیار را تصاحب کرده و ثانیاً با سود مضاعف مردم را به خریدن ساختمان‌های شهرک درخت انجیر معابد فرامی‌خواند، مخالف است. ۲. مخالفت با درخت؛ در برابر خرافه‌پرستی مردم از جمله عمه‌تاجی که درخت را منشأ معجزه می‌دانند. ۳. مخالفت با حکومت که آن را عامل فقر و نداری خود و مردم می‌شمارد.

در تک‌گویی درونی خود، بر اعتقاد تاج‌الملوک خرده می‌گیرد:

عمه‌تاجی با این همه هوش و ذکاوت با کمال صدق و صفا نذری درخت و یک مجسمه سنگی می‌کنه و بعدش میره با اشک و آه و زاری نذرش ادا می‌کنه! - یا با پدر مخالف است که در زمان زندگیش برای درخت انجیر معابد فضا را آماده کرده است: پدر هم زمین وقف درخت کرد - واقعاً پدر اعتقاد داشت؟ ب ی درخت؟ (همان، ۱ / ۳۶۶).

در درگیری مردم با مهران برای سود ده درصدی قرارداد خانه‌های شهرک، فرامرز برای پادرمیانی وارد می‌شود که مردی می‌گوید: «نکنه تو هم اعوان و انصار اینائی؟ فرامرز گردن می‌کشد: 'من ن؟ اینا؟! مهران شهرکی بزرگ قالتاق‌داران دنیاس! آلكاپون پیشش جوجه‌ی روزه‌س!'» (همان، ۲۱۶).

۵. راهکارهای مقابله با «عقدۀ حقارت» و «اضطراب اساسی»

این مرحله با مرحله دوم و سوم فرایند عاطفی گفتمان، یعنی توانش و هویت عاطفی، برابری می‌کند. «برتری‌طلبی»، «انتقام»، «کینه‌ورزی» و «فریبکاری» هویت عاطفی شوشرگان در برابر اضطراب و رخداد عاطفی پیش آمده است و شوشرگر همانند سوژه‌ای در این مرحله آماده است تا خود را در موقعیت جدید قرار دهد و واکنشی متناسب نشان دهد (شعیری، ۱۳۹۵: ۹۱) که در طرح‌واره فرایند عاطفی گفتمان، جزو مهم‌ترین راهکارهای مطرح‌شده در این بخش است.

در نظریۀ روان‌کاوانۀ آدلر، اولین واکنش به احساس حقارت، سائق پرخاشگری^{۱۷} است. پس از آن افراد با اعتراض مردانه، برتری‌طلبی و تلاش برای رسیدن به کمال مطلوب و جبران، سعی می‌کنند حقارت خود را بپوشانند. جبران افراطی^{۱۸} یا عقدۀ برتری از نظر آدلر یعنی «فرد با سخت‌کوشی نه‌تنها مشکل خود را حل کند، بلکه سعی کند بهتر و بالاتر از دیگران قرار گیرد؛ البته مکانیسم‌های درمانی همیشه این‌گونه نیستند؛ بلکه گاهی با توسل به دروغ یا با استفاده از موارد مخدر قصد جبران دارند» (ناصحی، ۱۳۸۶: ۵۸).

۱-۵. نرینه‌نمایی^{۱۹}

آدلر و هورنای در نظریۀ روان‌کاوی اجتماعی خود، هر دو، مفهوم «نرینه‌نمایی» یا عقدۀ نرینگی را مطرح کرده‌اند. مفهوم نرینه‌نمایی آدلر با مفهوم حقارت و جبران او رابطه نزدیکی دارد. آدلر با مطرح کردن سائق پرخاشگری که در نرینه‌نمایی بیان شد، به مبحث جبران حقارت پرداخت. پس از مدت کوتاهی، سائق پرخاشگری به تلاش برای برتری تغییر پیدا کرد (لان‌دین، ۱۳۷۸: ۲۸۵). یکی از نشانه‌های نرینه‌نمایی، تحقیر و کم

به حساب آوردن مردان است. هورنای معتقد است چون در بسیاری از اجتماعات برای پسر ارزشی بیشتر از دختر قائل می‌شوند، همین امر موجب حس انتقام‌جویانه دختر برای تحقیر و تخفیف تمام مردها می‌شود (هورنای، ۱۳۶۵: ۲۱۶).

در برخی گرایش‌های فمینیستی، از جمله رادیکال، تمامی جنبه‌های حیات انسانی را موافق مردسالاری می‌دانند و به آن معترض‌اند: «ریشه فرودستی زنان نه در وضع قوانین، بلکه در تمام حوزه‌های حیات انسانی زنان است و هیچ حوزه‌ای از حوزه‌های زندگی اجتماعی از نگاه مردسالار جدا نیست» (بیات، ۱۳۸۶: ۴۳۱). تاج‌الملوک عامل شوشی است که می‌کوشد با تحقیر جنس مرد از آنان انتقام بگیرد و بر عقده حقارت خود، یعنی تجرد، فائق آید. او در این مرحله کنشگری با گفتمان القایی است. «گفتمان القایی به نوعی بررسی قدرت استدلال کنشگران در برابر یکدیگر است و هریک به روشی چون تحریک، تشویق، تمسک به رشوه، تهدید و... می‌کوشد تا کنشی را به‌انجام برساند و در انتها به تولید معنا منجر شود» (خدادادی، ۱۳۹۷: ۳۰).

او با حرف‌هایش فرزانه و همچنین زری، دختر سرایدار خانه، را از ازدواج برحذر می‌داشت و آن‌ها را به مردها بدبین می‌کرد. او بارها در حرف‌هایش به آنان القا می‌کرد که مردان مقصر هستند و می‌گفت: «مردها همیشه مقصرند، زری جان، همیشه تقصیر دارن» (محمود، ۱۳۷۹: ۱ / ۱۵۹). در این رمان شخصیت تاج‌الملوک درمقابل مردان همواره از حقوق زنان دفاع می‌کند. او حتی به برادرزاده‌اش هم که از برخورد سرد زری ناراحت بود، از احترام به زنان سخن می‌گوید: «دیدی عمه‌تاجی؟ محل سگم به من نداشت. - تاج‌الملوک می‌گوید: هرچی آدم سنگین‌تر باشه نظر خانوما را بیشتر جلب می‌کند» (همان، ۳۴۱).

۲-۵. منطق تراشی^{۲۰}

دلیل تراشی نوع خاصی از فرافکنی است که در آن یک عذر یا بهانه که از نظر اجتماعی پذیرفتنی است، آورده می‌شود (لان‌دین، ۱۳۷۸: ۲۷۳). یکی از راه‌های درمان اضطراب از نظر هورنای، منطق تراشی است. فرد عصبی با خشم، نفرت و اجتناب از امر اضطراب‌آور سعی در آرامش درون خود دارد. از نظر هورنای، منطق تراشی یعنی

شخص سعی می‌کند برای اضطراب خود تعدادی دلایل و عوامل خارجی را بیابد تا منشأ اضطراب را از درون خود به خارج منتقل کند (هورنای، ۱۳۶۵: ۴۴). در رفتار تاج‌الملوک سه نوع دلیل تراشی قابل تصور است. وی می‌کوشید با آوردن دلیل، علاوه بر خود، دیگران را هم از ازدواج بازدارد. تاج‌الملوک در بازخوانی خاطراتش به یاد می‌آورد زمانی را که از یحیی خان، نامزدش، کتاب داستان تهران مخوف را خواسته و او نیاورده بود. تاج‌الملوک علت خشم خود از نامزدش را بی‌توجهی او به خواسته‌اش، یعنی فراهم کردن کتاب، می‌داند و به این طریق می‌خواهد مادرش را قانع کند که یحیی خان در سردی روابطشان مؤثر است نه خودش و دلیل مجرد ماندنش بدقولی و بی‌اعتنایی به خواسته‌هایش بوده است. گفتمانی که تاج‌الملوک درپیش می‌گیرد، گفتمان کنشی القایی است.

تاج‌الملوک با آگاهی از لکه‌های پوست فرزانه نمی‌خواست خود را در این مصیبت مقصر بداند؛ از همین رو بازهم به دلیل تراشی روی آورد. در خاطرات فرزانه آمده است:

پماد دکتر مونس کاری نکرد. عمه‌تاجی می‌گوید ارثی نیست به خیال خودش می‌خواهد دلم را خوش کند می‌گوید اینها لک پیسی نیست شاید ماست و ترشی با هم خورده‌ای که این‌طور شده است. لکه‌های هر دو رانم شده است هفت تا (محمود، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۷۸).

فرامرز در برابر اضطراب، در حرکتی رو به جلو کنشگری می‌شود که با روی آوردن به اعتیاد، دروغ‌گویی و فریبکاری مردم و با انتخاب عناوین مختلف دروغین همانند پزشک، بازرس وزارت بهداشت، درویش مستجاب‌الدعوه و وکیل دادگستری ظاهر می‌شود. فرامرز در نقش بازرس ویژه بهداشت از مردم رشوه می‌گیرد: «آقای اضطرابی بازهم که کاسه دستشویی عوض نکردین! فرزین از کنج اغذیه‌فروشی برمی‌گردد طرف فرامرز - فرامرز صدای فرج را می‌شنود: 'چشم جناب بازرس، عوض میکنم'» (همان، ۱ / ۲۸۹). او در گرفتن رشوه دلیل تراشی می‌کند که گرفتن پول از پولدارها رشوه نیست و عدالت است.

وی با دلیل تراشی، یکی از دلایل کارهای خلاف خود را جهل مردم می‌داند:

مثلاً من همین فردا میتونم جایی که کسی نشناسدم مطب بزنم. دوم اینکه تو مملکت ما هیچ‌کس برا فرداش تأمین نداره، مگر پول نقد زیاد و مستغلات داشته باشد. تخصص و اعتبار و شهرت و کار صنار نمی‌ارزه. یک وزیر که عوض بشه از صدر تا ذیل همه عوض میشن یا باید غارت کرد یا باید غارت شد (همان، ۲۶۰).

۳-۵. انکار^{۲۱}

این راهکار مشابه مکانیسم دفاعی «سرکوب کردن»^{۲۲} در نظریه فروید است. این روش ناآگاهانه است؛ ولی گاهی ممکن است این انکار آگاهانه هم صورت گیرد. در مکانیسم دفاعی فروید، سرکوبی از مهم‌ترین واکنش‌هاست. در سرکوبی، «من» انرژی خود را بسیج می‌کند و افکار ناخوشایند را به نهاد می‌راند (لان‌دین، ۱۳۷۸: ۲۷۲). انکار در تمام افراد شاید دیده شود؛ با این تفاوت که در افراد روان‌رنجور علائم اضطراب بی‌دلیل صورت می‌گیرد. انکار کردن اضطراب با استفاده از خشم و نفرت، مکانیسم دفاعی شخص مضطرب است. هورنای معتقد است: «گاهی دیده می‌شود شخص عصبی در رابطه با دیگران خشونت و نفرت شدید مبالغه‌آمیزی از خود نشان می‌دهد که درواقع این عمل سرپوشی است برای پنهان کردن ترس و اضطراب (۱۳۶۵: ۴۷). خشم تاج‌الملوک نسبت به مردان و پرخاشگری فرامرز و فرزانه با خانواده و مردم نمونه‌ای از سرکوب و پنهان کردن اضطراب درونی است. فرامرز خودش نیز اعتراف می‌کند با مادر لجبازی کرده تا او را مجازات کند: «احمقانه خیال می‌کردم با مادر لج می‌کنم تا سر عقل بیاد. خیال می‌کردم آن‌قدر اراده دارم که گرفتار نشم. می‌گفتم سر ب سر مادر میذارم تا حواسش سر جا بیاد» (محمود، ۱۳۷۹: ۱/۲۷۶).

در سرتاسر داستان، فرامرز به فکر انتقام است؛ به‌ویژه پایان روایت زمانی است که شوش‌ها عامل ایجاد کنش می‌شود؛ جایی که فرامرز بعد از شایع کردن خبر فوت خود، با ظاهری جدید و نقاب مرشد سبزچشم، قصد مجازات درخت، مهران، علمدار و تمام کسانی را دارد که به زندگی‌اش لطمه زده‌اند: «شایع می‌شود که مرد سبزچشم، علم غیب دارد و با ایما و اشاره با مرادش، جی باندراجی براهمایا، که آن سر دنیا در کنار رود مقدس براهماپوترا ساکن است حرف می‌زند» (همان، ۲/۹۲۰).

۴-۵. اجتناب

تاکتیک اجتناب خودداری از هر کاری است که زمینه‌ساز ایجاد اضطراب می‌شود. این امر خود باعث ظهور مسائلی فرعی می‌گردد. «شخص عصبی از ترس اینکه مبادا با اضطراب مواجه گردد، از اقدام به بسیاری از کارهای اضطراب‌انگیز اجتناب می‌ورزد» (هورنای، ۱۳۶۵: ۴۹).

تاج‌الملوک دختران دیگر را نیز از ازدواج نهی می‌کرد تا جبرانی برای شکست خود بیابد. تاج‌الملوک برای منصرف کردن زری از ازدواج با جعفرباغی، به دروغ ادعا می‌کند پدر جعفر مبتلا به بیماری «خنازیر» است و با انداختن دلپاره و ترس در دل زری و مادرش، قصد جبران حقارت خود و برتری بر مردان دارد.

۵-۵. جبران منتقمانه

این نوع جبران ناراحتی و اندوه شخص مضطرب را نشان می‌دهد و عاملی است برای انتقام گرفتن از دیگران. «چنین جبرانی گاهی شکل شوم و حزن‌انگیزی به خود می‌گیرد و فرد را به خودکشی سوق می‌دهد» (منصور، ۱۳۴۳: ۵۰). رفتار فرزانه باعث شده بود فرامرز هم به رفتار حقارت‌آمیز او با مردان پی ببرد و علت بداقبالی او را اعمال تحقیرآمیزش با مردان بداند. شوش نگرانی از بیماری، تنهایی و شکست در ازدواج، فرزانه را به کنش واهی دارد تا با خودکشی از دیگران انتقام بگیرد. فرزانه با ناامیدی حوادث آخر عمر را در خاطراتش این‌گونه می‌نویسد: «یک کاغذ سفید بزرگ برداشتم و بالای صفحه درشت نوشتم: وصیتنامه. بکوه دلم لرزید گفتم اگر وصیتنامه بنویسم جرئت نمی‌کنم خودکشی کنم خیلی دلم می‌خواست دختر خوبی باشم اما نگذاشتند» (محمود، ۱۳۷۹: ۲/۶۳۹).

۶. هیجان عاطفی و ارزیابی عاطفی

شوشگران با درگیر شدن اضطراب هرکدام دچار هیجاناتی می‌شوند که علائم فیزیکی آن قابل توجه است و در مرحله ارزیابی عاطفی دیدگاه‌های مثبت و منفی هریک از

شخصیت‌ها در گفتارشان به سیر فرایند عاطفی یاری می‌رساند: تاج‌الملوک در میان‌سال‌ی با ابتلا به بیماری‌ها و غم تنهایی هیچ دارویی برای دردش نمی‌یافت:

شهربانو که می‌رود باز تاج‌الملوک خیلی تنها می‌شود. تصمیم می‌گرفت برود دکتر، درد و غم و حال و روزش را بگوید تا شاید دکتر دارویی بدهد که وقت دل‌تنگی آرامش کند؛ قصد می‌کرد اما نمی‌رفت. عقیده داشت که داغ دل و درد بی‌سامانی، اگر با قرص و سوزن آرام بگیرد، وقتی که عود کند، تندتر و دردانگیزتر می‌شود. دارو راه علاج دردهای روحی - روانی نیست (همان، ۷۹۸).

او در زندگی خود را متضرر می‌دید و دائماً از عمر تلف‌شده افسوس می‌خورد: «خجالت از خودم با این همه عمر، هیچ عمل صالحی ندارم که در دادگاه عدل الهی باعث دلخوشیم باشد؛ نفرمایین تاج‌الملوک‌خانم آدم رحمدل و باوفایی مثل شما که همیشه نمازش به وقت، نامه اعمالش به دست راستش میدن» (همان، ۶۹۴). «خدایا من بنده روسیاهت هستم، معصیت‌کارم. اما نه جسم نحیف طاقت عتاب تو را داره و نه فکر» (همان، ۷۱۳). او در پایان عمر از کارهای بد خود پشیمان بود. از اینکه به دروغ پدر جعفرباغی، خواستگار زری، را دچار بیماری خنازیر خطاب کرده بود. آزرده بود. در تک‌گویی درونی، عمه‌تاجی به این ادعای دروغین خود چنین اشاره می‌کند: «پاشو به هر جان‌کنندی هست برو لب بام صداس کن بگو دروغ گفتم. بگو عبدالزهره مرحوم پدر جعفرباغی، آدم سالم و سلامتی بود. هیچ مرضی هم نداشت» (همان، ۷۱۷).

فرزانه با دیدن لک پوستی دچار هیجانات شدیدی می‌شود که در چهره‌اش نمایان است: «فرزانه رنگ‌به‌رنگ شده بود و همچنان ساکت به پیش پا نگاه کرده و حرف عمه را شنیده بود. پیش دکتر مونس پماد می‌ده خوب میشه و فرزانه گریه در گلو گفته بود: ارثی عمه‌تاجی؟» (همان، ۱ / ۲۷۳). فرزندان خانواده، فرامرز و فرزانه، از مواجه شدن فضای پرتنش که مهران ایجاد کرده بود، دچار تألمات روحی شدیدی می‌شوند و تأثیر این حالات در رفتار و گفتار آنان بروز می‌کند:

فرزانه یکهو از کوره دررفته بود، حلقه را به زمین کوفته و گفته بود: «معلوم معلوم امضای سند مهران خان از لباس شب عید من واجب‌تره ل و گفته بود اصلاً ما تو این خانه زیادی هستیم، این ی لقمه نان هم که می‌خوریم لابد از صدقه‌سر مهران‌خان که می‌خوریم (همان، ۲ / ۷۷۷).

فرامرز اعتیاد خود را از سر لجبازی می‌دانست و از این کار پشیمان بود: «احمقانه خیال می‌کردم با مادر لج می‌کنم تا سر عقل بیاد. خیال می‌کردم آن‌قدر اراده دارم که گرفتار نشم. اما نه قدرت عشق می‌شناختم و نه سختی و صلابت قفل و زنجیر اعتیاد» (همان‌جا). فرزانه هم که با خودکشی به زندگی خود پایان می‌دهد، در دفتر خاطراتش قبل از خودکشی، عمه‌تاجی و پدرش را این‌طور ارزیابی می‌کند: «عمه‌جان از شما هیچ گله‌ای ندارم، سرنوشت من این بوده است. شما چه گناهی دارید؟ پدرجان یقین دارم همچین که دست نازنینت موی سرم را نوازش کرد آن‌قدر راحت می‌شوم که انگار تازه متولد شده‌ام» (همان، ۶۴۰).

۷. نتیجه

بر اساس نشانه - معناشناسی گفتمانی، گفتمان عاطفی در رمان *درخت انجیر معابد* نمود بیشتری دارد. شخصیت‌ها بر پایه گونه‌های عاطفی اضطراب، هر کدام منشأ کنش‌های گوناگون می‌شوند و بدین ترتیب، این متن ترکیبی از گفتمان‌های عاطفی و کنشی است. از آنجا که اضطراب واقع‌شده منشأ اجتماعی دارد، نظریات روان‌کاوانه آدلر و هورنای در تحلیل روان‌کاوانه متن قابل بررسی است. شوش‌هایی همچون نقص پوستی، تنهایی و مخالفت با محدودیت‌های اجتماع هر یک زمینه بیداری عاطفی و عامل شوشی است که شخصیت‌های زن داستان را دچار اضطراب و نگرانی کرده است. ناامیدی و تنهایی، مبارزه با قدرت‌طلبان و ستیز با خرافات و جهل مردم، شخصیت اصلی فرامرز را درگیر عنصر عاطفی نفرت و کینه کرده است. راهکارهای مقابله با اضطراب در شخصیت‌ها بر طبق نظریه روان‌کاوانه آدلر و هورنای، پرخاشگری، نرینه‌نمایی (صرف نظر از ازدواج)، منطق‌تراشی و جبران منتقمانه (خودکشی) بوده است؛ بدین ترتیب، شوشگران هویت عاطفی خود را با عنصر کینه و انتقام و کنش‌های القایی تثبیت می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. signs-discourse semantics
2. signs-narrative semantics
3. stream of consciousness and interior monologue
4. anxiety

5. inferiority
6. espace tensive
7. emotional process
8. psychological criticism
9. narratology
10. intelligent discourse system
11. disposition affective
12. pivot affective
13. emotion
14. manipulation act
15. reprisal
16. emotional intensity
17. aggression

۱۸. compensation: جبران یکی از مکانیسم‌های دفاعی است که مشخصه آن رفتاری است که به‌منظور ایجاد تعادل در تقابل یا کمبود واقعی یا خیالی طرح‌ریزی می‌شود. کاهش رنج عاطفی ناشی از عقده حقارت پرداختن به رفتار جبرانی است که گرچه دفاعی است، جنبه مثبت هم دارد (برونو، ۱۳۸۴: ۱۰۵)

۱۹. mail: برخی روان‌شناسان معتقدند جنس زن به سه طریق نسبت به نقص نهادی خود واکنش نشان می‌دهد: به حیات خود تن درمی‌دهد؛ اسیر اختلالات روانی می‌شود؛ گرفتار عقده نرینگی شده، پا در حیات مردانه می‌گذارد (آریان‌پور، ۱۳۵۷: ۱۶۲).

۲۰. rationalization: دو نوع مهم دلیل‌تراشی «انگور ترش و سرکه شیرین» نام دارد. انگور ترش یعنی چیزی که روزی مطلوب بوده درواقع مطلوب نیست، چون ایرادی دارد. سرکه شیرین یعنی شخص وضعیت بد را بهترین وجه تعبیر می‌کند (برونو، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

21. denial
22. repression

منابع

- آریان‌پور، ا.ح. (۱۳۵۷). *فرویدیسیم با اشاراتی به ادبیات و عرفان*. تهران: ابن‌سینا.
- اسکندری، حسین (۱۳۹۲). «بررسی نقش و اهمیت گفتمان در روانشناسی گفتمانی». *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*. ۴. د. ش ۱۴. صص ۸۸-۶۵.
- آقاخان‌بیژنی، محمود (۱۳۹۶). «جلوه‌های ترس و اضطراب در رمان زمین سوخته». *فصلنامه نقد ادبی*. ۱۰. ش ۳۷. صص ۲۸۷.
- برونو، فرانک (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی روانشناسی*. ترجمه فرزانه طاهری و مهشید یاسائی. چ ۳. تهران: ناهید.

- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۶). *فرهنگ واژه‌ها، درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر*. تهران: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- پاینده، حسین (۱۳۹۰). *گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی*. تهران: نیلوفر.
- پویان، مجید (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه زنان در داستان‌های کوتاه احمد محمود». *مطالعات زنان*. ۸ ش ۳. صص ۵۸-۳۹.
- جلالی طحان زهرا و شهلا خلیل‌اللهی (۱۳۹۶). «نشانه - معناشناسی نظام‌های گفتمانی شوشی در 'لالایی لیلی' اثر حسن بنی‌عامری». *دوفصلنامه ادبیات دفاع مقدس دانشگاه شاهد*. ۱۵ ش ۱. صص ۲۶-۱۵.
- خدادادی، فضل‌الله و سیدعلی قاسم‌زاده (۱۳۹۷). «رویکرد گفتمان کنشی القایی در ادبیات داستانی». *دوماهنامه علمی - پژوهشی جستارهای زبانی*. ۹ ش ۶. صص ۴۷-۲۵.
- راس، ا. آلن (۱۳۷۳). *روانشناسی شخصیت*. ترجمه سیاوش جمالفر. تهران: بعثت.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۵). *نشانه - معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی*. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- شعیری، حمیدرضا و ترانه وفایی (۱۳۸۸). *راهی به نشانه - معناشناسی سیال با بررسی موردی ققنوس نیما*. تهران: علمی و فرهنگی.
- فارسی، بهنام، فاطمه شهریاری و محمد مهدی سمتی (۱۳۹۶). «عقدۀ حقارت در رمان 'لاتذروه الریاح'». *مجله انجمن ایرانی زبان عربی*. ۴۵ ش ۴. صص ۱۱۳-۱۴۰.
- قبادی، حسینعلی و مجید هوشنگی (۱۳۸۸). «نقد و بررسی روانکاوانه شخصیت زال از نگاه آلفرد آدلر». *فصلنامه نقد ادبی*. ۲ ش ۷. صص ۱۱۹-۹۲.
- کوپا، فاطمه و دیگران (۱۳۹۴). «شگردهای طنزپردازی در رمان مدار صفر درجه احمد محمود». *فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*. ۲ ش ۳. صص ۲۰-۵.
- لاندین، رابرت (۱۳۷۸). *نظریه‌ها و نظام‌های روانشناسی*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- محمود، احمد (۱۳۷۹). *درخت انجیر معابد*. ج ۲. ج ۱-۲. تهران: معین.
- منصور، محمود (۱۳۴۳). *احساس کهنری*. تهران: آسیا.
- منوچهریان، پرویز (۱۳۶۸). *عقدۀ حقارت*. تهران: گوتنبرگ.

- میرزایی، فرامرز و احمدجمال امیدی (۱۳۹۴). «پویایی زندگی در رقابت: تحلیل نشانه - معناساختی گفتمانی در داستان کوتاه 'خلأ'». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. ۶. ش. ۷. صص ۲۳۷-۲۶۰.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (۱۳۷۷). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز.
- ناصحی، عباسعلی و فیروزه ریسی (۱۳۸۶). «مروری بر نظریات آدلر». *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*. ش ۳۳. صص ۵۵-۶۶.
- نصیحت، ناهید و دیگران (۱۳۹۱). «نشانه - معناساختی ساختار روایی داستان 'وما تشاون' براساس نظریه گرماس». *دوفصلنامه نقد ادبی معاصر عربی*. س ۲. ش ۳. صص ۴۰-۶۳.
- _____ (۱۳۹۲). «بررسی نشانه - معناساختی ساختار روایی داستان کوتاه لقاء فی لحظه رحیل». *فصلنامه جستارهای زبانی*. د ۴. ش ۲. صص ۱۹۹-۲۲۰.
- هورنای، کارن (۱۳۴۸). *عصبیت و رشد آدمی*. ترجمه محمدجعفر مصفا. تهران: ابن‌سینا.
- _____ (۱۳۶۵). *شخصیت عصبی زمان ما*. ترجمه محمدجعفر مصفا. تهران: نشر گفتار.
- Foss, Brian M. (Ed.) (1973). *New Horizons in psychology*. Middlesex [Eng]: Penguin.
- Eysenck, H. J. (Hans Jurgen) (1962). *Know your Own.I.Q.* Middlesex: Penguin.
- Taylor, A. & B.M. Foss (Eds.) (1977). *Introduction psychology: An experimental approach*. Harmondsworth Middlesex: Penguin.

A Review of Personality in the Novel *The Sound and the Fury* based on the Theory of Relativity

Azar Akbarzadeh Ebrahimi *¹ Fatemeh Koupa² Pedram Mirzayi³ Narges Mohamadibadr⁴

1. PhD Candidate of Persian Language and Literature, Payam Noor University of Tehran
2. Faculty Member of Persian Language and Literature, Payam Noor University of Tehran
3. Associate Professor of Persian Language and Literature, Payam Noor University of Tehran
4. Associate Professor of Persian Language and Literature, Payam Noor University of Tehran

Received: 23/04/2019

Accepted: 12/10/2019

Abstract

Discourse-semantic sign is one of the new critiques that helps psychoanalytic criticism to examine the emotional processes in the text. *The Fig Tree of Temples* is the last novel by Ahmad Madameh. The author, while narrating the story, deals with the personality's internalization. Some characters in this novel, influenced by the family environment and the social inequalities stemming from the struggle of tradition and modernity, are subject to humiliation and anxiety which affect their actions, speeches, and lifestyles. Thus, different issues can be examined according to the discourse-semantics and the theory of Adler and Horney, which emphasized the effective role of culture and society in creating the complex of humiliation. In this study, the author uses a descriptive-analytical method to characterize the behavior and speech of the three main characters, namely, Taj al-Muluk, Famaraz, and Farzaneh. According to discourse-semantics, in their emotional awakening and due to skin defects and anxieties such as loneliness and frustration and the impact of the environment (community discrimination), these characters use aggression, grudges, and revenge, and show their emotional identity. The emotional discourse in this novel is more intense and leads to the emergence of inductive and discursive discourses in the characters of the story.

Keywords: Narration; sign-discourse semantics; inner anxiety; Karen Horney; emotional discourse.

* Corresponding Author's E-mail: Azar.akbarzade@yahoo.com

